



شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۱) (۲)

دکتر علی نقی منزوی

(۱) مجله یغما، سال سی ام، شماره ۶، شماره مسلسل ۳۴۸، شهریور ۲۵۳۶، رمضان - شوال ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴

(۲) مجله یغما، سال سی ام، شماره ۹، شماره ردیف ۳۵۱، آذر ۲۵۳۶، ذی قعدة - ذی حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

- ۱..... شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۱).....
- ۱..... منطق الطیر عطار.....
- ۱..... سیمرغ و سی مرغ.....
- ۱..... دو گونه خداشناسی.....
- ۲..... دو گونه ارزیابی قوانین.....
- ۳..... آمیخته شدن عقاید گوناگون.....
- ۳..... یمن، سبا و اشراق هندی.....
- ۴..... حجاز یکی از مراکز آمیزش دو اندیشه.....
- ۵..... تسلط اندیشه توحید عددی پس از مرگ پیغمبر.....
- ۵..... گنوسیزم ایرانیان و تسنن عربها.....
- ۶..... مبارزه خلفا با گنوسیزم.....
- ۷..... بازگشت حکومت به دست سلفیان.....
- ۸..... عطار.....
- ۸..... زندگی عطار.....
- ۱۱..... منطق الطیر؛ یا مقامات طیبور.....
- ۱۲..... ترجمه‌های منطق الطیر عطار.....
- ۱۴..... شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (۲).....
- ۱۴..... داستان مرغان پیش از عطار.....
- ۱۵..... باب البوم و الغراب کیله و دمنه.....
- ۱۵..... ابن ندیم.....
- ۱۵..... اخوان الصفا.....
- ۱۶..... ابن سینا.....

- ۱۶..... ترجمه سهروردی کشته ۵۸۷ ق / ۱۱۹۱ م
- ۱۷..... ترجمه اخسیکتی احمد بن قاسم بن احمد بن خدیو (سده ۶هـ / ۱۲م)
- ۱۷..... ترجمه ملا وجیه‌الدین
- ۱۷..... شرح بر ترجمه فارسی
- ۱۷..... زمینه داستان‌های ابن‌سینا
- ۱۸..... لسان الطیر
- ۱۸..... حی بن یقظان، سلامان و ابسال
- ۱۹..... برادران غزالی
- ۲۰..... موضوع گفتار دوم منطق الطیر عطار
- ۲۰..... عین‌القضات همدانی کشته ۵۲۵ق / ۱۱۳۱م
- ۲۲..... کتاب‌نامه
- ۲۲..... نمایه کتاب و مقاله

دکتر علی‌نقی مسزوی

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (1)

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (1)

دکتر علی نقی منزوی

(1) مجله یغما، سال سی ام، شماره 6، شماره مسلسل 348، شهریور 2536، رمضان - شوال 1397، برگه 338 - 344

منطق الطیر عطار

چند سال پیش هنگامی که متوجه شدم منطق الطیر عطار یک نمایشنامه پُر ارج فلسفی است، استخوان بندی نمایشنامه را با انتخاب پانصد بیت از پنج هزار بیت سروده عطار و جدانویس کردن سخنان هر یک از بازیگران نمایشنامه در گفتگوهایشان با مقدمه ای کوتاه در مجله کاوه چاپ مونیخ منتشر نمودم.

سیمرغ و سی مرغ

اینک بنا بر دستور استاد حبیب یغمایی، شرحی شامل توضیحاتی در باره جهان بینی هندوایرانی اشراق که بازمانده اندیشه مسلط بر اندیشهوران ایران در عهد ساسانی و عرفان بزرگ ایران در زمان حکومت عربها است، آن را در لابلای پوسته هایی ضخیم از عقاید خرافی پوشانیده بیان کرده اند، عطار نیز همان را به صورت یک نمایشنامه بزرگ در آورده است، تهیه نمودم تا به عرض خوانندگان ارجمند مجله یغما برسد.

دو گونه خدانشناسی

1- دو گونه خدانشناسی: خدا شناسی در کتب مقدس قدیم پیش از آمیزش ملل آریایی و سامی به دو شکل متمایز دیده

می شود:

دکتر علی نقی منزوی

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

۲

الف: خدا در کتب سامی به ویژه تورات، یک شخصی است و جدا از جهان (توحید عددی) که جهان را از عدم به وجود آورده است.

ب: خدا در کتب هندی به ویژه ودا روح جهان و خود آن است که در اصطلاح اسلامی توحید اشراقی نامیده می شود. این دوگونه دید درباره خدا سبب پیدایش دو دید در باره خدا و جهان (دین) است.

الف: خدای سامی هر چندگاه که خودش صلاح بداند، یکی از انسان های معمولی را به سفارت نزد مردم می فرستد.

ب: از دیدگاه اندیشه هندوایرانی، این انسان است که می تواند با طی کردن مراحل آموزش و تمرین به مقام اتصال و سپس اتحاد (نروانا) به خدا نایل آید.

این نظریه هندوایرانی در نبوت در سده دوم هجری گاه به صورت انکار نبوت اسرائیلی از طرف راوندی (د: ۲۹۵ق) و رازی (د: ۳۱۳ق) و گاه به صورت تفسیر نبوت به اشراق همگانی از طرف فارابی و ابن سینا بیان شده است، پس هیچ یک از این دو گروه منکر اصل اشراق و الهام نبوده اند.

دوگونه ارزیابی قوانین

۲- دوگونه ارزیابی قوانین: اختلاف دو نظریه «نبوت اسرائیلی» و «اشراق هندوایرانی» که در بالا یاد شد، سبب پیدایش دو نظریه در باره کتب آسمانی و قوانین گردید:

الف: از نظر هندوایرانی متون مقدس «ودا» «اوستا» گرچه الهام الهی هستند؛ لیکن ساخته اندیشه صاحبان عالم آنها بوده، پس همگی آنها حادث هستند و از نظر یهود کتاب های مقدس تورات کلام قدیم خداوند هستند.

ب: قوانین مندرج در کتب مقدس از نظر سامیان (یهود) ابدی و لایتغیر و غیر قابل نسخ است، در صورتی که از نظر هندیان با مرور زمان قابل نسخ و تغییر و گاهی واجب النسخ هستند.^۱

دکتر علی نقی نیشزوی

^۱ ماللهند من مقولة، بیرونی، هند، ۱۹۵۸، برگه ۸۱؛ و شرح الاصول الخمسة، عبدالجبار معتزلی، برگه ۵۷۶؛ و کنز الفوائد، کراچی، برگه ۱۰۲.

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

۳

آمیخته شدن عقاید گوناگون

۳- **آمیخته شدن عقاید گوناگون:** حمله هخامنشیان بر یونان و یورش اسکندر بر ایران هر دو از روی سرملت‌های سامی (سریانی، یهودی، فینیقی) انجام گرفت، موجبات آمیزش خدانشناسی‌های گوناگون ملت‌های آریایی و سامی را فراهم کرد. از این‌رو، خدانشناسی در آن کتب مقدس که تا قرن سوم میلادی پدید آمد، هم‌چون انجیل‌های مسیحی، مرقیونی، دیصانی، مانوی و حتی اوستای ۲۱ نسکی که فرآورده کنفرانس آذریاد ماد اسپندان در عهد شاپور دوم (۳۰۹ - ۳۹۷ م) می‌باشد، هیچ یک نه مانند ودا یک‌سره اشراقی و نه مانند تورات عددی محض هستند؛ بلکه خدانشناسی در همه این کتب ترکیبی از توحید عددی و اشراقی را نشان می‌دهد.

یمن، سبا و اشراق هندی

۴- **یمن، سبا و اشراق هندی:** سرزمین یمن که پیش از اسلام به نام سبا نیز نامیده می‌شد در ساحل جنوبی شبه‌جزیره عرب قرار دارد و بندر ارتباط بازرگانی هند و ایران با آفریقا بوده، گاه به دست آفریقاییان «حبشیان» و گاه به دست ایرانیان اداره می‌شد. از این‌رو این کشور مرکز پخش اندیشه‌های هندوایرانی در شبه جزیره بود و همان کار را می‌کرد که فلسطین در شمال شبه جزیره در پخش افکار توحیدی عددی سامی انجام می‌داد.

مرکز جغرافیایی این کشور نام «سبا» را در میان شبه جزیره به صورت یک منبع نور و علوم یقینی در آورده بود، تا آن جا که در ضمن افسانه زناشویی ملکه سبا با پادشاه یهود فلسطین که در میان سامیان شهرت داشته و خود نشانی از آمیزش دو فرهنگ آریایی و سامی است، می‌بینیم که هدهد به سلیمان می‌گوید: «من از سوی مهرپرستان کشور سبا برای تو یقین آورده‌ام!».

۱Z: قرآن، سوره شماره ۲۷: ۲۲ - ۲۴: فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحْطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَا بِنَبَأٍ يَقِينٍ (۲۲) إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳) وَجَدْنَاهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴) پس دیری نپایید که [هدهد آمد و] گفت از چیزی آگاهی یافته‌ام که از آن آگاهی نیافته‌ای و برای تو از سبا گزارشی درست

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (1)

۴

در بخشی از داستان‌های سنبلک عرفانی که نمایشگر چگونگی ترکیب و آمیزش دو جهان بینی آریایی و سامی است، مانند «حی بن یقظان» و «سلامان و ابسال» ابن سینا، «قصه الغربة الغریبة» سهروردی، «شیخ صنعان» عطار، یک یا چند قهرمان دیده می‌شود که برای جستجوی حقیقت از شرق به سوی غرب رهسپار می‌شوند و در بیشتر آن داستان‌ها آن مسافران یمنی و سبایی هستند. واژه «برسابا» در سریانی به معنی فرزند یمن، به کسانی گفته می‌شد که دارای ایده‌ئولوژی اشراقی بوده‌اند.

در ادبیات اسلامی نیز این کلمه به «ابن سبا» ترجمه شده کیفیت یک شخصیت افسانه‌ای «عبدالله بن سبا» قرار گرفته که اندیشه‌های گنوستیک تند را در کتب ملل و نحل بدو نسبت داده‌اند. یک فرقه از گنوسیست‌های تندرو در تاریخ مذاهب اسلام به «سباییان» شناخته می‌شوند. چند تن از اهل صفة که شاید بتوان ایشان را در میان مردم مدینه روزگار پیغمبر گنوسیست خواند مانند حدیفة و عمار یاسر یمنی بوده‌اند.

روی سخن علی در برخی از خطبه‌هایش که بوی گنوسیزم دارد، با یک تن یمنی است. چندین تن از نخستین صوفیان معروف آغاز اسلام نیز یمنی بوده؛ یا خود را به یمن منسوب می‌داشته‌اند؛ بنابراین، گفته‌ی تعصب‌آمیز گلدزیهر که یمن را از مراکز اندیشه بکر سامی شمرده، نادرست می‌نماید^۱.

حجاز یکی از مراکز آمیزش دو اندیشه

۵- حجاز یکی از مراکز آمیزش دو اندیشه: این سرزمین که از نظر جغرافیایی در میان دو سرزمین فلسطین از شمال و یمن از جنوب قرار دارد، اندیشه توحید عددی را از شمال و توحید اشراقی را از جنوب به وسیله کاروان‌های بازرگانی دریافت می‌کرد از این‌رو، در قرآن کریم این هر دو گونه توحید (عددی و اشراقی) به روشنی دیده می‌شود.

آورده‌ام (۲۲) من [آن جا] زنی را یافتم که بر آن‌ها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت (۲۳) او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند (۲۴)

^۱ درسی‌هایی در باره اسلام، ایگناس گلدزیهر، ترجمه علی‌نقی منزوی و محمد عاصمی چاپ بنیاد فرهنگ ایران.

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (1)

۵

برخی از یاران فقیر پیغمبر که از موالی و نیم‌بردگان بودند و چنان که گفتم به «اهل صُفه» شهرت می‌داشتند، پس از مرگ پیغمبر طرفدار حکومت خاندان محمد بوده و اندیشه‌های گنوستیک و توحید اشراقی تمایل داشته‌اند؛ یا طوری بوده که بعدها ممکن شد حدیث‌های گنوستیک را بدیشان نسبت دهند.

تسلط اندیشه توحید عددی پس از مرگ پیغمبر

۶- تسلط اندیشه توحید عددی پس از مرگ پیغمبر: پس از آن که اشراف عرب در انجمن سقیفه بنی ساعده حکومت خلفا را روی کار آوردند و خاندان پیغمبر را کنار نهادند، کم‌کم اندیشه توحید عددی که طرز تفکر سامیان شمال می‌بود بر حکومت اسلام تسلط یافت، آیات اشراقی قرآن در درجه دوم اهمیت نهاده و متشابه خوانده شد تا آن جا که دیده می‌شود، بسیاری از آیات که سیاری و دیگران مدعی حذف آن‌ها به وسیله عثمان از قرآن شده‌اند، جنبه اشراقی دارد^۱ که در فصل الخطاب حاجی نوری برگه ۳۲۷ - ۳۲۹ نیز نقل شده است. از آن پس نیز یکی از اختلاف‌های ۱۴ قرن می‌ان گنوسیست‌ها (شیعه و صوفی) و سُنیان، تعیین محکم و متشابه آیات بوده است.

گنوسیست‌ها آیات اشراقی را محکم و آیات به ظاهر عددی را متشابه می‌دانند و سُنیان به عکس این انجام می‌دادند.

گنوسیزم ایرانیان و تسنن عرب‌ها

۷- گنوسیزم ایرانیان و تسنن عرب‌ها: در سه قرن نخستین اسلام که حکومت به دست اشراف ایلات عرب می‌بود، خداشناسی سامیان شمال، مذهب رسمی خلفا قرار گرفت و از این رو، توحید عددی، مذهب اصیل اسلام شناخته شد و «سنت و جماعت» نام گرفت، خداشناسی گنوستیک (توحید اشراقی) که جهان‌بینی توده‌های مردم در کشورهای واقع در مشرق فرات (که به دست عرب‌ها گشوده شده بود) به شمار می‌رفت، با این که در قرآن نیز کاملاً منعکس می‌باشد. بازهم خارج از اسلام شناخته شد و بدعت نام گرفت.

^۱ احمد سیاری از یاران امامان دهم و یازدهم است (رجال قهپایی، ج ۱، ۱۴۹ - ۱۵۰) بسیاری از مطالب و نام کتابش القراءات است (ذریعه، ج ۱۷، ۲۵).

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

۶

با همه کوشش خلفا برای ترویج توحید عددی و مبارزه با توحید اشراقی، باز هم روحیه آبا و اجدادی مردم ساکن میان دو رود فرات و سند با توحید اشراقی سازگارتر می‌بود، اساس و ریشه پیدایش عقاید غیر سنی در دو قرن اول اسلام مانند مرجیان، قَدْریان معتزله، غُلّات شیعه و ... همگی بر زمینه توحید اشراقی این مردم نهاده شده، این گونه خداشناسی هر چند موافق نص صریح قرآن است؛ لیکن موافق روحیه حکومت سامی دمشق و بغداد نمی‌بود و همیشه زیر پیگرد قرار داشت.

مبارزه خلفا با گنوسیزم

۸- مبارزه خلفا با گنوسیزم: روشنفکران گنوسیست که بازماندگان دانشگاه‌های جندی‌شاپور، سورا (میان بابل و تیسفون)، حران، نصیبین بودند و همواره زیر فشار خلفا بودند. از این رو، ایشان ناچار دانش‌های خویش را به زبان حاکم عربی می‌نوشتند و مخفیانه بر فرزندان خانه‌نشین شده پیغمبر عرضه می‌داشتند و پس از گرفتن تأیید ایشان به نام احکام امضایی به مردم می‌رسانیدند؛ یا شبانه در مسجدها پخش می‌کردند.^۱

نمونه‌ای از آن ترجمه‌ها را می‌توان در بخش حقوق «قانون‌نامه» آبگار^۲، در گاه‌شماری نوروزیه معلی بن خنیس، در پزشکی ذهبیه در اخلاق مصباح الشریعة و مانند آن را نام برد. برخی از آن جزوه‌ها که در آن روزگار نوشته شده و بر امامان شیعه عرضه شده بود، بعدها به نام چهار صد اصل نامیده شده و در چهار مجموعه حدیث شیعی: کافی، من لایحضر، تهذیب، استبصار تدوین گردید (ذریعه، ج ۲، ۱۲۵ - ۱۶۷).

در آغاز سده سوم که شمشیر عرب‌ها به غلاف رفته بود، خلفا خواستند به جای آن، در برابر گنوسیزم ایرانی، یک تکیه‌گاه ایده‌تولوژیک بسازند، ایشان در این راه از پسرعموهای سریانی خود استفاده کرده با همه مخالفت‌های سنیان سلفی به نوعی ترجمه فلسفه مشاء ارسطو دست زدند، پس علم کلام را هم چون تازیانه‌ای به دست متکلمان و فقیهان دربار خلافت دادند که برای دفاع از مذهب رسمی تسنن جدید که جای تسنن سلفی را می‌گرفت به کار برند.

^۱ تثبیت دلائل النبوة، عبد الجبار معتزلی (د: ۴۱۵)، برگه ۲۵۷.

^۲ قانون‌نامه آبگار، کهن‌ترین قانون کیفر ایرانی، علی‌نقی منزوی، مجله کاه، مونیخ، سال دهم، شماره پنجم، شماره ردیف ۴۴، آذرماه ۱۳۵۱، شوال ۱۳۹۲، نوامبر ۱۹۷۲، برگه‌های ۴۴۰ - ۴۴۶.

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

۷

شاید بتوان همین جریان را یکی از علت‌های آن بدبینی سخت‌گنوسیست‌ها نسبت به فلسفه یونان شمرد. مأمون عباسی با ترجمه فلسفه مشاء و رسمیت دادن مذهب معتزله سبب هم‌صدا شدن گنوسیست‌های خردگرای ایرانی را با سنیان سلفی عرب فراهم ساخت. از این تاریخ به بعد، گنوسیست‌ها و سلفیان، با آن که ۱۸۰ درجه اختلاف میان ایشان بود، هر دو در برابر معتزله و فلسفه مشاء قرار گرفتند. در این دوره خلفای معتزلی، گنوسیست‌های ایرانی را به نام زندیق، بی‌دین، و سلفیان عرب را به نام حشوی، خرافاتی می‌کوبیدند.

بازگشت حکومت به دست سلفیان

۹- بازگشت حکومت به دست سلفیان: پس از مأمون چند سالی نگذشت که دوباره حکومت به دست سلفیان افتاد شیعه‌کشی و هنرسوزی از نو آغاز گردید.

متوکل عباسی قبر امام حسین (ع) را به عنوان آن که گنوسیست‌ها با تزیین آن جا به وسیله تصاویر امامان آن را بت‌خانه ساخته‌اند، ویران کرد، پس خردگرایان ناچار از تغییر قیافه شدند.

یکی از شاگردان مکتب معتزله به نام ابوالحسن اشعری (د: ۳۲۴ق / ۹۳۶م) همان سخنان معتزله را با پوشش و پرده‌ای از اشتلم و ناسزا بر معتزله و دیگر خردگرایان، مکتبی به ظاهر سنی فراهم ساخت؛ لیکن حکومت خلفای سنی سلفی، مکتب نوین سنی اشعری را نیز مدت یک سده به نام ملحد، باطنی، مجوس می‌کوبیدند تا آن که خواجه نظام‌الملک دانشگاه‌های نظامیه را تأسیس کرد (۴۵۷ق) و مکتب اشعری را به جای مذهب سنی سلفی رسمیت بخشید؛ البته منظور از تأسیس آن دانشگاه‌ها دو چیز بود:

۱- منصرف کردن مردم از حوزه‌های درس شیعیان اسماعیلی، که از کوه‌های قاینات تا الموت، کتاب‌های فارابی، ابن‌سینا، کرمانی، سجستانی را تدریس می‌کرد.

۲- تثبیت تسنن سیاسی در ایران، یعنی پا برجا نمودن حکومت خلفای عرب بر ایران؛ لیکن بهر حال رسمیت یافتن مکتب اشعری ایده‌ئولوژی پوسیده تسنن سلفی عرب را نیز به خاک سپرد و مردم را از شر قشریات خشک و بی‌روح آن‌ها رها کرد. دانشگاه‌های نظامیه، غزالی‌ها را واداشت تا گنوسیزم ایرانی را به لباس سنی در آوردند تا عرب پسند شود، گرچه غزالی

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

۸

(۴۵۰ - ۵۰۵ق) جنبه سیاسی تسنن، یعنی حکومت خلفای عرب را پذیرفت، ولی در برابر آن، فلسفه ایرانی گنوسیزم را نیز بر عرب‌ها تحمیل کرد. او راه را برای پیشرفت آینده گنوسیزم بازتر کرد، هر چند غزالی در رساله الطیر خود، گامی از اتصال پیش‌تر نرفت؛ لیکن او راه را برای عطار باز کرد، تا با صراحت بیشتر دم از اتحاد بزند.

عطار

۱۰- **عطار:** شادروان فروزان‌فر در مقدمه تحلیل خویش، با بیان این نکته که عطار مرد آیندگان است نه مرد زمان خودش و نه زمان ما، نشان می‌دهد که او نیز مانند خود عطار گرفتار فشارهایی بوده که نمی‌گذارند آن هسته را از پوست بیرون آرد. او در مجالس دوستانه از این فشار آشکارتر ناله می‌کرد و ما را نیز به در نظر گرفتن آن اندرز می‌فرمود، اما من فکر می‌کنم سرعت پیشرفت زمان در عصر ما به اندازه‌ای است که اجازه می‌دهد؛ بلکه ایجاب می‌کند که مسائل تا اندازه‌ای پوست‌کنده‌تر مطرح گردد، و گرنه حس تنفر از خرافات که ناشی از آشنایی مردم با علوم روز است، خشک و تر فرهنگ ما را خواهد سوزاند و نمونه آن رفتاری است که کسروی و دکتر جوان و مانند ایشان با شعر و شاعری و تصوف و عرفان و به طور کلی با گنوسیزم ایرانی از خویش نشان دادند. منطق الطیر عطار یک نمایشنامه فلسفی پر ارزش است که در قرن بیستم نیز هنوز نو و جالب است. می‌توان با جداکردن پوسته‌ها از آن و بر روی صحنه آوردن آن خدمتی شایسته به مردم انجام داد.

زندگی عطار

۱۱- زندگی عطار: همان طور که در مقاله صوفیان بی‌سلسله^۱ یاد کردم، صوفیان برجسته سده (۵۷ / ۱۳م) همگی از مهندسان و پزشکان معروف روزگار خویش بوده و تنها برای مبارزه با خرافات و قشریات سنیان سلفی و ظاهریان، پرچم منطق اشراق را به دوش می‌کشیدند.

^۱ صوفیان بی‌سلسله و برخی ویژگی‌های ایشان، علی‌نقی منزوی، مجله کاوه، شماره ردیف ۴۵، سال ۱۱، شماره اول، نوروز ۱۳۵۲، ربیع الاول ۱۳۹۳، مارس ۱۹۷۳، برگه ۷۷ - ۸۸.

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

عطار یکی از این دانشمندان روشن‌رای و در عین حال واقع‌بین بوده است. او پزشکی ماهر و داروسازی زبردست بوده و چنان که از آثارش پیدا است، دارای اطلاعات عمیق ریاضی و نجومی و طبیعیات و روانشناسی و خلاصه فیلسوفی جامع و عالی مقام بوده است.

جهان‌بینی او از بیخ و بُن با ایده‌تولوژی حاکم در آن روزگار ناسازگار بوده است. او به خدای خارج از جهان که جهان آن را از عدم به وجود آورده باشد، معتقد نیست.

او مانند دیگر فلاسفه هندوایرانی خدا را در همین عالم؛ بلکه عین جهان می‌شمرد^۱ و با این طرز فکر چنان که در مقاله قضا و قدر^۲ نیز اشارت رفت مفهوم‌های، نبوت (به معنی اسرائیلی آن) وساطت، شفاعت، هدایت، اضلال، استدراج، مکر خفی و جلی، که در ظاهر نصوص مقدس دیده می‌شود، باید همگی تفسیر و تأویل شود.

عطار در مصیبت‌نامه، برگه ۲۲۰ گوید:

تو برون شو از میان کان ذات فرد بی‌رسولی تو داند گفت و کرد

این هنرمند عالی مقام، در تمام عمر خویش نان رنج و زحمت خورد و هنر خویش به صاحبان زر و زور نفروخت و زبان به ستایش امیر و وزیری نیالود و چون گربه بر سر خوان اغنیا نغنون.

او در منطق الطیر گوید:

من ز کس بر دل کجا بندی نهم

نام هر دونی خداوندی نهم

نه طعام هیچ ظالم خورده‌ام

نه کتابی را تخلص کرده‌ام

همت عالیم ممدوحم بس است

قوت جسم و قوت روحم بس است

^۱ اشراق هندوایرانی و نبوت اسرائیلی، علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۶، سال ۹، مرداد ۱۳۵۰، جمادی‌الثانی ۱۳۹۱، اوت ۱۹۷۱، برگه‌های ۲۱۸ - ۲۲۴.

^۲ قضا و قدر در ادبیات فارسی، علی‌نقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۴۱ - ۴۲، س ۱۰، مرداد ۱۳۵۱خ، شمارگان برگه‌ها با اعداد رومی XIV - I، پس از برگه ۱۶۸.

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (1)

۱۰

عطار دکان داروسازی داشت و مانند همه داروسازان آن روزگار، علم طب می دانست و گویند: در پزشکی شاگرد مجدالدین بغدادی بوده است^۱.

او در همان دکان داروفروشی به پزشکی اشتغال می ورزید. نبض مردم می گرفت و بیماری جسمی آنان را علاج می کرد.

چنان که خود گوید:

به داروخانه پانصد شخص بودند
که در هر روز نبض می نمودند
در عین حال در همان جا با خرافاتی که در مغزهای مردم آن روزگار انباشته بود، مبارزه می کرد.

او در «خسرونامه» می گوید:

بمن گفت: ای بمعنی عالم افروز
چنین مشغول طب گشتی شب و روز
طب از بهر تن هر ناتوان است
و لیکن شعر و حکمت قوت جان است
وی منظومه های پر روح خویش را در دکان داروسازی خود سروده است، نه در سایه کاخ های حاکمان.

او خود می گوید:

مصیبت نامه کاندوه نهان است
به داروخانه کردم هر دو آغاز
الهی نامه کاسرار عیان است
چه گویم زود رستم زین و آن باز

شک نیست که چنین دکانی به مرکز بحث های فلسفی تبدیل شده است. هر چند عطار فلسفه هندوایرانی خود را با پوسته ای از خرافات سامی پوشانیده، باز هم از گوشه کنار، نظریات حاد او هویدا می شده است و موجبات ناراحتی او را از طرف محتسبان دولتی و قشریان ظاهری فراهم می کرده است، چه بسا همین امر سبب برهم خوردن دکان داروسازی او را فراهم می کرده باشد؛ لیکن سلسله بندان صوفی نما، به هم خوردن دکان عطار را به صورت نادرست نقل کرده و صوفی شدن عطار را پس از ترک دکان وانمود کرده اند، اما چنان که فروزان فر از اسرارنامه بیرون آورده است،

^۱ نسبت او به بغدادک خوارزم است (ریاض العارفین).

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

۱۱

عطار از پدر و مادر صوفی به وجود آمده است^۱ و چنان که خودش صریحاً می‌گوید: از کودکی به تصوف علاقمند بوده است^۲.

منطق الطیر؛ یا مقامات طیور

۱۲- منطق الطیر؛ یا مقامات طیور: این نام یکی از مثنوی‌های عطار است که می‌توان آن را از بهترین آثار این فیلسوف شمرد، و در حقیقت یکی از جواهرات درخشان تاج ادبیات فارسی است. عطار آن را در بحر رمل سروده و اندکی کم از پنج هزار بیت در بر دارد. موضوع آن بیان نظر هندوایرانی و حدوث وجود، یعنی اتحاد خدا و جهان است. واژه منطق الطیر از قرآن که در داستان سلیمان آمده، گرفته شده است؛ بنابر اساطیری که در سده‌های سوم تا هفتم میلادی در میان دیصانیان و مرقیونیان و دیگر مذاهب مرکب از ثنویت و ثالوث، شهرت داشته است، این سلیمان اضافه بر پادشاهی، که تاریخ یهود حاکی از آن است، مقام پیغمبری هم داشته، زبان مرغان را نیز می‌فهمیده است^۳.

در میان مأموران دولتی او، پرندگانی چون هدهد نیز وجود داشته که سمت خبرگزاری سلیمان را می‌داشته است^۴.

منطق الطیر یعنی زبان مرغان کنایت از:

- گفتگوکردن با مردم با زبانی است که عامه آن را فهم کنند؛

- و یا به زبانی است که محتسبان قشری و فقیهان ظاهری آن را درک نکنند؛

^۱ شرح احوال و آثار عطار، فروزان فر، برگه ۴.

^۲ تذکره الأولیاء، عطار، چ لیدن، ج ۱، ۵.

^۳ از قول سلیمان گوید: ای مردم! ما زبان پرندگان آموخته‌ایم (سوره نحل، شماره ۲۷، آیت ۱۶): وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶) و سلیمان از داوود میراث یافت و گفت ای مردم ما زبان پرندگان را تعلیم یافته ایم و از هر چیزی به ما داده شده است راستی که این همان امتیاز آشکار است (۱۶).

^۴ سلیمان به سوی پرندگان نگریست و گفت: هدهد کجاست که او را نمی‌بینم؟ Z: سوره نحل، شماره ۲۷، آیت ۲۰: وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (۲۰) و جویای [حال] پرندگان شد و گفت مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؛ یا شاید از غایبان است؟

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

۱۲

- و یا آن که دارای هر دو شرط، یعنی سهل و ممتنع بدین معنی باشد، که از طرفی چنان ساده باشد که بتواند عامه مردم را به جلو بکشاند و از طرفی چنان در لفافه خرافات پوشیده باشد که زبان محتسبان دولتی و فقیهان ظاهری را ببندد. واژه «منطق الطیر» نام داستان‌هایی نیز شده که قهرمانان و بازیگرانش را مرغان تشکیل داده باشند، از این رو سهروردی یک رساله خود را که نخستین داستان آن گفتگو در میان موران است لغت موران نامیده است. و در آغاز رساله دیگرش گوید:

چون سیمرغ زبان ندارد، من آن را «صفر سیمرغ» (به جای منطق سیمرغ) نامیده‌ام. از این رو، برخی از سرایندگان هندی چنین آثار را طوطی‌نامه؛ یا هدهدنامه نامیده‌اند.^۱

امروز نیز در اصطلاح بازاری «به زبان مرغی حرف زدن» همین معنی را می‌رساند، یعنی سخن را طوری گفتن که:

- اولاً: کسانی که باید، آن را بفهمند، متوجه آن شوند؛

- و ثانیاً: کسانی که نباید آن را نفهمند آن را درک نکنند، در منطق الطیر عطار، این هر دو شرط موجود است، و لذا مولوی آن را منطق الطیر سلیمانی خوانده است، در صورتی که منطق الطیر خاقانی را به صدا تشبیه نموده، گوید:

منطق طیر آن خاقانی صداست
منطق الطیر سلیمانی کجاست؟

زیرا که به عقیده مولوی، در منطق الطیر خاقانی شرط اول وجود نداشته، چون توده مردم نمی‌توانند از آن چیزی درک کنند.

ترجمه‌های منطق الطیر عطار

۱۳- ترجمه‌های منطق الطیر عطار: این مثنوی عطار را نخست شاعری ترک به نام گلشهری در (د: ۷۱۷ ق / ۱۳۱۷ م) به شعر ترکی ترجمه کرده که در آنکارا به سال ۱۹۵۷ چاپ شده است، سپس میرعلیشیر نوایی (د: ۹۰۶ ق / ۱۵۰۰ م) بار دیگر به ترکی سروده و لسان الطیر نامیده است. (ذریعه ۱۸: ۳۹۶ و ۱۹: ۲۷۵) دکتر ویکتور الکک لبنانی، فارغ التحصیل دانشگاه تهران نیز این منظومه را به عربی سروده و بخشی از آن را نیز چاپ کرده است.

^۱ نک: ذریعه، ج ۱۵؛ ۱۸۱؛ ج ۹، ۱۱۷۵؛ ج ۱۹، ۳۳۸؛ ج ۲۰، ۲۰۱ و

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (I)

ترجمه کردی شیخ صنعان با مقدمه قادر فتاحی قاضی در ۱۳۴۴ برگه به سال ۱۳۴۶ خ / ۱۹۶۷ م از طرف مؤسسه تاریخ فرهنگ و هنر ایران، دانشگاه تبریز منتشر شده است.

شرحی بر نمایشنامهٔ سیمرغ و سی‌مرغ (2)

شرحی بر نمایشنامهٔ سیمرغ و سی‌مرغ (۲)

مجلهٔ یغما، سال سی‌ام، شمارهٔ ۹، شمارهٔ ردیف ۳۵۱، آذر ۲۵۳۶، ذی‌قعدة - ذی‌حجه ۱۳۹۷، برگهٔ ۵۲۷

۵۳۱ -

داستان مرغان پیش از عطار

۱۴- داستان مرغان پیش از عطار: تمثیل و تشبیه یکی از پایه‌های ادبیات ایران در عهد ساسانی بوده است. بیان مطلب و توضیح نظریه‌های ادبی، اخلاقی، مذهبی، و سیاسی و پخش آن‌ها در میان مردم از زبان حیوانات پرنده و چرنده، به طور گسترده‌ای به کار رفته است.

برخی از پیشوایان مذهبی چون مانی و مزدک، گذشته از بیان تمثیلی و انشای تشبیهی به نثر و نظم، که از راه گوش به مردم می‌رسانیدند، استفاده از راه چشم را نیز فراموش نکرده با بکاربردن نقاشی چینی از راه تصویر نیز خواست‌های خود را به مردم می‌رسانیدند. می‌توان ارزنگ مانی را نمونهٔ پیشرفت هنر نقاشی و کلیله و دمنه را نمونهٔ تشبیه سازی بیانی آن دوران به شمار آورد.

یورش عرب و رواج مذهب سنی ضربتی بزرگ بر هنر نقاشی فرود آورد به طوری که از سراسر شش قرن حکومت عرب حتی یک برگ نقاشی نیز در ایران باقی نمانده است؛ لیکن هنر تشبیه سازی در بیان نه تنها متوقف نگشت بلکه به سبب محروم بودن دانشمندان خردگرا و گنوسیست ایرانی از آزادی بیان، ایشان بیشتر خواسته‌ها و عقاید خویش را چنان که گذشت از ترس محتسبان و فقیهان دربار خلیفه از زبان حیوانات و مخصوصاً مرغان که بیش از دیگر حیوانات عاطفهٔ رقیق انسانی را جلب می‌کنند، بیان می‌نمودند. از این رو، این بخش را با محتوای فلسفی آن می‌توان جزو ادبیات عامیانه نیز دسته‌بندی نمود. این دانشمندان با استفاده از اساطیر رایج در سده‌های ۳ تا ۷ میلادی «زبان مرغان» را اصطلاحی برای بیان سنبلیک خواسته‌های فلسفی خردگرایانه که ایده‌ئولوژی عمومی مردم ایران و مورد پیگرد حکومت خلفای سنی در بغداد می‌بود، قرار داده بودند.

شرحی بر نمایشنامهٔ سیمرغ و سی مرغ (2)

۱۵

گفتگو از پرواز روان انسان در سخنان پارمنیدس یونانی (۵۴۰ - ۴۵۰ پ.م) در معراج‌نامهٔ وی آمده که سوار بر اسبان و به راهنمایی دختران خورشید از خانهٔ شب به جهان روشنایی رفت.^۱

افلاطون نیز در گفتگوی «فایدروس» روان آدمی را به ارابه‌ران و اسب بال‌دار مانند کرده است؛^۲ لیکن با این همه تشبیه روان آدمی به مرغ و تن آدمی به قفس گویا از ویژگی‌های ادبیات هندوایرانی ساسانی باشد که پس از آمدن عرب‌ها بدان زبان ترجمه شده، سپس به وسیلهٔ ایرانیان مسلمان تکمیل شده و گسترش یافته است و اینک چند نمونه از آن را در زیر می‌آورم:

باب البوم و الغراب کليلة و دمنه

۱۵- **باب البوم و الغراب کليلة و دمنه:** ابن مقفع شهید (ک: ۱۴۸ ق / ۷۵۹) از پهلوی به عربی گردانید، در بارهٔ کنفرانس مرغان و انتخاب یک پادشاه برای خودشان می‌باشد، در صورتی که کنفرانس مرغان در نزد عطار برای انتخاب یک راهنما (هدهد) است برای رفتن به سوی پادشاه مرغان (سیمرغ).

ابن ندیم

۱۶- **ابن ندیم:** در فن یکم از مقالات سوم فهرست خود در احوال ابومنذر هشام کلبی (د: ۲۰۵ ق / ۸۲۰ م) کتابی به نام منطق الطیر بدو نسبت داده است. به ابن سکیت نحوی نیز کتاب الطیر نسبت داده شده است.^۳

اخوان الصفا

۱۷- **اخوان الصفا:** اخوان الصفا در رسالهٔ شمارهٔ ۲۲ از رسایل خود، عنقاء مغرب را پادشاه مرغان و جای او را در کوه‌های بلند جزیرهٔ بحر أخضر دانسته‌اند.^۴

^۱ نخستین فیلسوفان یونان، شرف خراسانی، چ تهران، ۱۳۵۰ خ / ۱۹۷۱ م، برگهٔ ۲۷۶ - ۲۸۴.

^۲ مجموعهٔ آثار افلاطون، لطفی، تهران ۱۳۵۰ خ / ۱۹۷۱ م، ج ۲، ۱۹۰.

^۳ ذریعه، ج ۱۵، ۱۹۵.

^۴ رسائل اخوان الصفا، چ بیروت، ۱۹۵۷ م، ج ۲، برگهٔ ۲۹۳.

شرحی بر نمایشنامهٔ سیمرغ و سی مرغ (2)

۱۶

و در رسالهٔ شمارهٔ ۳۱ داستان به دام افتادن عقعقق را که بر اثر طمع به دنبال کبوتران رفته بود، آورده اند^۱، ولی در هیچ یک از آن دو جا، سیر تکاملی روان آدمی مورد بحث نیست.

ابن سینا

۱۸- ابن سینا (د: ۴۲۸ق / ۱۰۳۷م) رساله‌ای به نام الطیر یا الشبكة و الطیر هنگامی که در دژ «فردجان» زندانی بود به سال ۴۱۲ق / ۱۰۲۱م به عربی نگاشته است که به وسیلهٔ مهران در لیدن ۱۸۹۱م، سپس به وسیلهٔ لویس شیخو در بیروت ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱ چاپ شده است.

این رسالهٔ ابن سینا سه شرح و یک نظم دارد^۲.

۱- از علی بن شاهک؛

۲- از شریف بن ناصر هاشمی بغدادی؛

۳- از علی بن سلیمان بحرینی در سدهٔ هفتم و چهاردهم به نام مفتاح الخیر فی شرح رسالهٔ الطیر^۳. رسالهٔ طیر ابن سینا چند ترجمه به فارسی نیز دارد:

ترجمهٔ سهروردی کشتهٔ ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م

۱۹- الف) ترجمهٔ سهروردی کشتهٔ ۵۸۷ق / ۱۱۹۱م: این ترجمه همراه شرح بر ترجمهٔ منسوب به عمر سهلان ساوجی و دو رسالهٔ دیگر در مجموعه‌ای با مقدمه‌ای به انگلیسی از : *Otto Sples and S. K. Khalak* در اشتوتگارت آلمان ۱۹۳۵م، برگهٔ ۳۹ - ۴۶ چاپ شده، سپس در مجموعهٔ دانشنامه، ش ۲ در تهران ۱۳۱۶ق / ۱۹۳۷م تجدید چاپ شد، سپس با تصحیح دکتر نصر و مسیو کربن به سال ۱۹۷۰ در تهران در مجموعهٔ آثار فارسی سهروردی چاپ شده است. دکتر نصر در برگهٔ ۴۷ مقدمهٔ این مجموعه این ترجمه را با ترجمهٔ اخسیکتی که بعداً یاد خواهیم کرد، یکی شمرده است.

^۱ همان چاپ، ج ۳، برگهٔ ۱۶۹.

^۲ فهرست مصنفات ابن سینا، مهدوی، برگهٔ ۱۷۷ - ۱۷۸؛ و ذریعه، ج ۱۵، ۱۹۵.

^۳ ذریعه، ج ۷، ۱۳۰؛ ج ۱۳، ۲۴؛ ج ۱۵، ۱۹۵؛ ج ۲۱، ۳۲۹؛ ج ۲۴، ۲۲۲.

شرحی بر نمایشنامهٔ سیمرغ و سی مرغ (2)

۱۷

ترجمهٔ اخسیکتی احمد بن قاسم بن احمد بن خدیو (سدهٔ ۶هـ/ ۱۲م)

۲۰- ب) ترجمهٔ اخسیکتی احمد بن قاسم بن احمد بن خدیو (سدهٔ ۶هـ/ ۱۲م): نسخهٔ آن که در ۸۹۸ق / ۱۴۹۲م رونویسی^۱ شده، در مجلس هست و در فهرست حائری ج ۵، ۴۱۲ معرفی شده و به وسیلهٔ محمدباقر سبزواری در (مجموعهٔ ۱۴ رساله، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۰خ / ۱۹۶۱م، برگهٔ ۱۵۲ - ۱۶۲) بی معرفی نسخه‌ای که از آن برداشت شده، چاپ شده است. این ترجمه غیر از ترجمهٔ سهروردی چ. اشتوتگارت است که در بالا یاد شده، می باشد. ترجمهٔ اخسیکتی غیر از دوگانگی ترجمه در چند جا بر ترجمهٔ سهروردی افزایش‌هایی نیز دارد.

ترجمهٔ ملا وجیه‌الدین

۲۰- ج) ترجمهٔ ملا وجیه‌الدین: به گفتهٔ دکتر مهدوی نسخه‌اش به شمارهٔ ۳۶۸۸ در کتابخانهٔ اسعد افندی هست.

شرح بر ترجمهٔ فارسی

۲۱- شرح بر ترجمهٔ فارسی: دو شرح بر ترجمه‌های فارسی رسالهٔ طیر ابن سینا نیز چاپ شده است.

الف) شرح منسوب به عمر سهلان ساوجی که در مجموعهٔ یاد شدهٔ اشتوتگارت، برگهٔ ۴۷ - ۸۹ چاپ شده است.

ب) شرحی بی نام که محمدباقر سبزواری یاد شده در همان مجموعهٔ ۱۴ رساله، برگهٔ ۱۷۵ - ۲۱۱ چاپ کرده است.

این دو شرح اختلاف بسیار دارند. غیر از دوگانگی ترجمه، در تقسیم عبارات‌های متن در میان عبارات‌های شرح، با یکدیگر ناجورند.

زمینهٔ داستان‌های ابن سینا

۲۲- زمینهٔ داستان‌های ابن سینا: روان آدمی در این داستان به مرغانی تشبیه شده که در آغاز آزاد بوده، پس از افتادن به دام شکارچیان، آزادی نخستین خویش را فراموش کرده‌اند، پس با دیدن مرغانی آزاد، دوباره به یاد آزادی می افتند و با کمک آنان آزاد می شوند و به شهر پادشاه مرغان که در پشت کوه (افلاک هشت گانه) است، می روند، پس در داستان ابن سینا، اضافه بر سیر صعودی به سوی خدا، که در معراج‌نامه‌های خلسه‌های یونانی و اسلامی نیز دیده می شود، از سیر نزولی نخستین و

^۱ متن مقاله: نوشته.

شرحی بر نمایشنامهٔ سیمرغ و سی مرغ (2)

۱۸

اسیرشدن مرغان در قفس و نیز از مراحل گذر در بیابان‌ها در سیر صعودی با تفصیل یاد شده است که در آن معراج‌نامه‌ها و خلسه‌ها دیده نمی‌شود؛ لیکن دوگانگی و جدایی خدا و جهان (ملک و مرغان) در داستان ابن سینا بیش از داستان عطار، چشم‌گیر است.

این سنجش نشان می‌دهد که با همهٔ فشار سنگین خلفای سنی بازهم نفوذ پان‌ته‌ئیسیم هندی در ایران در دو سدهٔ میان ابن سینا و عطار رو به افزایش بوده و عطار را اشراقی‌تر و پان‌ته‌ئیسیت‌تر از ابن سینا کرده است. نتیجهٔ داستان ابن سینا «اتصال» است.

مرغان اسیر می‌شوند، در حال اسیری برای رسیدن به شاه کوشش می‌کنند و پس از رسیدن بدو، شاه ایشان را به جای دیگر حواله می‌دهد، در صورتی که عطار یک گام پیش رفته، اتحاد را نتیجه می‌گیرد: مرغان آزاد برای رسیدن به شاه مرغان، یک راهبر (هدهد) را انتخاب می‌کنند و تازه پس از رسیدن بدان شهر در می‌یابند که شاه مرغان، جز خود ایشان کسی نیست. شمارهٔ منزل‌ها که همان مدارج تعلیمات اشراقی است، نزد ابن سینا هشت کوه و نزد عطار هفت وادی و در «عقل سرخ» یازده کوه است که شمارهٔ خدایان زیردست زئوس یونانی را به یاد می‌آورد.

لسان الطیر

۲۳- **لسان الطیر**: یک رسالهٔ فارسی نیز بدین نام، پدرم در ذریعه، ج ۱۸، ۳۰۶ به ابن سینا نسبت داده که نسخه‌اش را در کتابخانهٔ تقوی دیده است؛ لیکن آغاز رساله را که آورده همان آغاز «عقل سرخ» است که در بخش سهروردی یاد خواهم کرد. همین رساله در فهرست رضوی، ج ۴، ۱۳۲ نیز با عنوان رسالهٔ الطیر از مؤلفی ناشناس معرفی شده است و محمدباقر سبزواری نیز ناشناخته آن را یازدهمین رسالهٔ مجموعهٔ ۱۴ رسالهٔ خود نهاده در برگهٔ ۲۱۲ - ۲۱۹ چاپ کرده است.

حی بن یقظان، سلامان و ابسال

۲۴- **حی بن یقظان، سلامان و ابسال**: دو داستان سنبلیک از ابن سینا هستند در بارهٔ مدارج ترقی روان آدمی؛ لیکن، چون تکامل روان در آن‌ها به سفر تشبیه شده و از مرغ و قفس گفتگویی ندارد، از موضوع بحث ما بیرون هستند.

برادران غزالی

۲۵- برادران غزالی: محمد (د: ۵۰۵ ق / ۱۱۱۱ م) و احمد (د: ۵۲۰ ق / ۱۱۲۶ م) هر کدام یک رساله در داستان مرغان دارند. نخستین ایشان داستان را به زبان عربی و دومین به زبان فارسی نگاشته و شاید یکی ترجمه دیگری باشد. متن پیرامون ۲۰۰ کلمه است که ۲۴ بیت شعر در آن است، متن عربی ۱۱۰ کلمه دارد که ۱۲ بیت آن شعر است. متن فارسی گنوسیست‌تر، ضد قشری‌تر، و شیواتر از عربی آن است.

نسخه عربی در مصر ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ و ۱۳۴۳ و ۱۳۵۳ ششمین از هفت رساله مجموعه الجواهر الغوالي و در بیروت همراه «طیر» ابن سینا در ۱۹۱۱ چاپ شده است، نسخه فارسی نیز به وسیله نصرالله پورجوادی همراه نسخه عربی با یک مقدمه فارسی و یکی انگلیسی در ۵۰ برگه در تهران ۱۳۹۶/۱۹۷۶ چاپ شده است.

در این داستان، مانند معراج‌نامه‌های یونانی و اسلامی، سخن تنها از مسیر قوس صعود آغاز شده و هیچ گونه کاری با سیر نزولی پیش از آن و گرفتارشدن روان در قفس تن که ابن سینا در داستان خود افزوده است، دیده نمی‌شود، پس کار غزالی از این رو، مانند کار عطار است، با این تفاوت که مرغان غزالی، پس از رسیدن به کعبه مقصود با پادشاه مرغان، هم‌چون خدای کتب مقدس سامی روبه‌رو می‌شوند، خدا مانند یک پادشاه دنیایی که البته صفات جمال و جلال کلام اسلامی به او آب و رنگ متفاوتی ایرانی داده است، جلوه می‌کند، اگر چه مرغان غزالی خدا را نمی‌بینند؛ لیکن مانع از دیدن او همانا دیوار قلعه؛ یا دوری و مانند این‌ها است، نه عدم قابلیت رؤیت.

در داستان غزالی دوگانگی خالق و مخلوق به درستی روشن است. در صورتی که در منطق الطیر عطار هنگامی که چاوش در درگاه عزت می‌آید و پرده‌های جلو آینه را یکی پس از دیگری بالا می‌زند، جلو چشم سی تا مرغ از راه رسیده «سیمرغ = سی مرغ» در آینه دیده می‌شود:

هم زعکس روی سی مرغ جهان
چهره «سیمرغ» دیدند آن زمان
و به عبارت دیگر: چهره خویش را در آینه دیدند و دوئیت از میان رفت.
در تحیر جمله سرگردان شدند
می‌ندانستند: این؛ یا آن شدند

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (۲)

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (2)

۲۰

موضوع گفتار دوم منطق الطیر عطار

کنفرانس مرغان درباره نیازمندی به پادشاه، نخست در باب بوم و غراب کلیله و دمنه و پس از آن در رسائل اخوان الصفا و سپس در رساله الطیر غزالی آمده است. پادشاه مرغان در کلیله «بوم» است که مرغان او را بر می‌گزینند، ولی غراب این انتخاب را باطل می‌سازد. ولی در رساله غزالی پادشاه مرغان «عنقا» می‌باشد و در جزیره‌ای در مغرب زندگی می‌کند، عطار آن را سیمرغ نامیده، گوید: مرغان گمان می‌کردند که در پشت کوه قاف است، ولی چون بدان جا شدند، دانستند که او جز مجموع ایشان چیزی نبوده است.

موضوع عذرتراشی مرغان از رفتن بدان سفر که در گفتارهای ۳ تا ۳۷ عطار دیده می‌شود، در غزالی به عکس دیده می‌شود: مرغان غزالی به سفر مایل هستند و از طرف عنقا به ایشان اخطار می‌شود که نیابید، خطرناک است! اما ایشان قانع نشده به سفر ادامه می‌دهند، پس سفر و کوشش برای کشف حقیقت در نظر غزالی نوعی گناه و تمرد است و نزد عطار کار مفیدی است که نیاز بگذشت و فداکاری دارد و از تنبلان ساخته نیست.

موضوع گفتارهای ۳۸ تا ۴۴ هفت وادی عطار در رساله غزالی نیز هفت تا به شمار آمده است که میان این دو شباهت وجود دارد و چه بسا هر دوی ایشان عدد هفت را از هفت خان‌های رستم و اسفندیار در شاهنامه گرفته باشند. خلاصه آن که، خدای عطار رنگ آریایی بیشتر دارد. او روح جهان و عین جهان است، اما خدای غزالی، گرچه صفات جمال و جلال معتزله بدورنگ آریایی می‌دهد، باز هم سامی است و غیر از جهان می‌باشد، او وحدت عددی است و قابل رؤیت است و روز قیامت دیده خواهد شد.

عین القصات همدانی کشته ۵۲۵ ق / ۱۱۳۱ م

۲۶- عین القصات همدانی کشته ۵۲۵ ق / ۱۱۳۱ م: عین القصات نیز در نامه‌اش روان آدمی را به مرغ اسیر شده در قفس تن مانند کرده که می‌کوشد از آن آزاد شود و به جهان متافیزیک بازگردد^۱.

^۱ نامه‌های عین القصات، تصحیح علی‌نقی منزوی و عفیف عسیران، بیروت ۱۹۶۸، ج ۱، ۲۰۰.

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (۲)

۲۱

دکتر علی نقی نیمزنوی

کتاب‌نامه

نمایه کتاب و مقاله

ارژنگ مانی، ارتنگ یا آردهنگ.

- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.
- اسرارنامه، فریدالدین ابوحامد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ م)، تصحیح صادق گوهرین، تهران، ۱۳۳۸ خ؛ دیگر: تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶ خ.
- اشراق هندوایرانی و نبوت اسرایلی، علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۶، سال ۹، مرداد ۱۳۵۰، جمادی الثانی ۱۳۹۱، اوت ۱۹۷۱، برگه‌های ۲۱۸ - ۲۲۴.
- انجیل، حضرت مسیح (ع) پیامبران مسیحیان.
- تثبیت دلائل النبوة، قاضی عبدالجبار فرزند أحمد فرزند عبدالجبار همدانی اسدآبادی، ابوالحسین المعتزلی (۳۲۴ - ۴۱۵ ق / ۹۳۶ - ۱۰۲۴ م)، دارالمصطفی، قاهره، مصر، ۱۴۲۷ ق.
- تذکره الأولیاء، فریدالدین ابوحامد محمد عطار، شیخ عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ ق / ۱۱۴۶ - ۱۲۲۱ م)، توسط رنالد نیکلسن انگلیسی، چ لیدن، ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ م؛ دیگر: تصحیح محمد استعلامی، انتشارات زوار، ۱۳۸۳ خ؛ دیگر: تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران.
- تذکره ریاض العارفین، رضاقلی فرزند محمد هادی هدایت طبرستانی (۱۲۱۵ - ۱۲۶۷ ق)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات گیتا اشیدری و ابوالقاسم رادفر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵ خ.
- ترجمه رساله الطیر ابن سینا، اخسیکتی احمد فرزند قاسم فرزند احمد فرزند خدیو (سده ۵۶ ه / ۱۲ م) نسخه آن که در ۸۹۸ ق / ۱۴۹۲ م رونویسی شده، نک: فهرست مجلس، حایری، ج ۵، ۴۱۲.

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (۲)

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (2)

۲۳

ترجمه رساله الطیر ابن سینا، ملا وحیه‌الدین که به گفته دکتر مهدوی نسخه‌اش به شماره ۳۶۸۸ در کتابخانه اسعد افندی هست.

تورات، حضرت موسی (ص)، پیامبر یهودیان.

تَهْدِیْبُ الْأَحْکَامِ، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، تصحیح احمد شیرازی و باقر قوچانی، تهران، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ خ؛ تصحیح حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۸ - ۱۳۸۲ ق؛ تصحیح محمدجعفر شمس‌الدین، بیروت؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، اسلامیه، تهران.

الجواهر الغوالي، تصحیح هفت رساله خطی، مصر ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ و ۱۳۴۳ و ۱۳۵۳ ق، رساله الطیر غزالی ششمین آن است.

حی بن یقظان و سلامان و ابدال، سجادی، ضیاء الدین، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

حی بن یقظان لابن سینا و ابن طفیل و السهروردی، احمد امین، قاهره در ۱۳۳۱ خ / ۱۹۵۲ م.

حیی بن یقظان، ابن سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، به کوشش آوگوست فردیناند میکال مهن، رسائل الشیخ رئیس ابی‌علی الحسین عبدالله بن سینا فی اسرار الحکمة المشرقیة، در ۱۳۰۶ - ۱۳۱۷ ق / ۱۸۸۹ - ۱۸۹۹ م، لیدن.

خسرونامه، فریدالدین ابوحامد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ م)، تصحیح احمد سهیلی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۵۵ خ؛ دیگر: مؤسسه فرهنگی اندیشه در گستر، تهران، ۱۳۸۲ خ.

درس‌هایی درباره اسلام، نوشته ایگناس گلدزیهر (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱)، در سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۹۰ م چاپ شد؛ ترجمه دکتر علی‌نقی منزوی، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۷ خ، دو مجلد، ۸۲۲.

الذریعة إلى تصانیف الشيعة القسم الثاني من الجزء التاسع، دیوان ذاتی - دیوان عبدالصمد، آقابرگ تهرانی، به کوشش علی‌نقی منزوی، چاپخانه دولتی، تهران، ۱۳۳۸ خ / ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م.

الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء التاسع عشر، المآب - المجاهدات، آقابرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۸ خ / ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م.

دکتر علی‌نقی منزوی

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سیمرغ (2)

۲۴

- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصیده ابن سینا العینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن عشر، كشف - لیلی و مجنون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي و العشرون، المستبين - المقالة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۱ خ / ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس و العشرون، واثق - يهو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۷ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عيون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع و العشرون، نائيه - نيه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۶ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خيمه شببازی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به کوشش علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷ خ / ۱۳۶۷ ق / ۱۹۴۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع عشر، قائد القوات العلويه - الكسوف و الخسوف، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثالث من الجزء التاسع، ديوان عبدالصمد - ديوان مینوی همدانی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ خ / ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۴ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الرابع من الجزء التاسع، ديوان نائب - ديوان یونس، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۷ م.

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (2)

۲۵

- ذریعه الی تصانیف الشیعه، القسم الاول من الجزء التاسع، دیوان آئینه - دیوان دیهیم، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، مجلس شورا، تهران، ۱۳۳۳ خ / ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۵ م.
- رجال قهپایی؛ مجمع الرجال، عنایت‌الله قهپایی (ز: ۱۰۱۱ق)، اصفهان، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ق؛ چاپ دیگر: ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ خ.
- رسالة الطیر ابن سینا، برگردان پارسی یحیی فرزند حبیب سهروردی (ک: ۵۸۷ق)
- رسالة الطیر، ابو حامد محمد فرزند محمد غزالی شافعی، ملقب به حجة الاسلام زین الدین طوسی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م)، مصر ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ و ۱۳۴۳ و ۱۳۵۳ ششمین از هفت رساله مجموعه الجواهر الغوالي؛ همراه با رساله طیر ابن سینا، بیروت، ۱۹۱۱ م.
- رسالة ذهبیه، مذهبه، طب الرضا، امام رضا (ع)، نک: ذریعه، ج ۱۵، ۱۴؛ نک: فهرست منتجب الدین قمی، ۹۶.
- رسالة طیر، مجد الدین ابوالفتح احمد فرزند محمد غزالی (۴۵۲ - ۵۲۰ ق / ۱۰۶۰ - ۱۱۲۶ م)، تصحیح نسخه فارسی آن توسط نصرالله پورجوادی، تهران ۱۳۹۶ ق / ۱۹۷۶ م.
- رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، رونویس کننده محمد علی کشکول فرزند محمد اسماعیل شیرازی، هند ۹ ربیع الثانی ۱۳۰۱ / ۷ فوریه ۱۸۸۴ م؛ چاپ دارصادر، بیروت، ۱۹۵۷ م. رسائل اخوان الصفا و الاعتبار.
- سلامان و ابسال و حی بن یقظان، ابن سینا، ضیاء الدین سجادی، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲ خ.
- شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، محمد حسین بُشروه‌ای، بدیع الزمان فروزان فر (۱۲۸۳ - ۱۳۴۹ خ)، تهران، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰؛ دیگر: انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۹ خ.
- شرح الاصول الخمسة، عبد الجبار معتزلی، برگه ۵۷۶؛ و
- شرح رسالة الطیر ابن سینا، بی نام، به کوشش محمد باقر سبزواری یاد شده در همان مجموعه ۱۴ رساله، صص ۱۷۵ - ۲۱۱ چاپ کرده است.
- شرح رسالة الطیر ابن سینا، منسوب به عمر سهلان ساوجی، اشتوتگارت، ۱۹۳۵ م.
- شرح رسالة الطیر شیخ الرئيس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، علی فرزند شاهک؛

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (2)

۲۶

شرح رسالة الطير شيخ الرئيس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، شریف فرزند ناصر هاشمی بغدادی.

شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۱)(۲)، علی نقی منزوی، مجله یغما، سال سی ام، شماره ۶، شماره مسلسل ۳۴۸، شهریور ۲۵۳۶، رمضان - شوال ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴؛ مجله یغما، سال سی ام، شماره ۹، شماره ردیف ۳۵۱، آذر ۲۵۳۶، ذی قعدة - ذی حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱.

شیخ صنعان، ترجمه منطق الطیر عطار به کردی با مقدمه قادر فتحی قاضی در ۱۳۴ ص به سال ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ از طرف مؤسسه تاریخ فرهنگ و هنر ایران دانشگاه تبریز منتشر شده است.

صفر سیمرغ، سهروردی، شهاب‌الدین، به کوشش حسین مفید - تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۲ خ.

صوفیان بی سلسله و برخی ویژگی‌های ایشان، علی نقی منزوی، مجله کاوه، شماره ردیف ۴۵، سال ۱۱، شماره اول، نوروز ۱۳۵۲، ربیع الاول ۱۳۹۳، مارس ۱۹۷۳، برگه ۷۷ - ۸۸.

طوطی‌نامه، به انگلیسی و فارسی، انتشارات اسدی، تهران، ۱ / ۳۴۶ خ / ۱۹۶۷ م.

طوطی‌نامه، ضیاء‌الدین نخشبی، فتح‌الله مجتبابی و غلامعلی آریا، انتشارات منوچهری، تهران، ۱۳۷۲ خ.

الطیر، الشبكة و الطیر، شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، به وسیله مهران در لیدن ۱۸۹۱ م؛ دیگر: به کوشش لوئیس شیخو، نشر یسوعیین، بیروت، ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱ م؛

الطیر، الشبكة و الطیر، شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، ترجمه سهروردی کشته ۵۸۷ ق / ۱۱۹۱ م، از رساله الطیر ابن سینا، این ترجمه همراه شرح بر ترجمه منسوب به عمر سهلان ساوجی و دو رساله دیگر در مجموعه‌ای با مقدمه‌ای به انگلیسی از: *Otto Sples and S. K. Khalak* در اشتوتگارت آلمان ۱۹۳۵ م صص ۳۹ - ۴۶ چاپ شد؛ چاپ دیگر: دانشنامه، ش ۲ در تهران ۱۳۱۶ ق / ۱۹۳۷ م؛ دیگر: تصحیح دکتر نصر و مسیو کرین، تهران، ۱۹۷۰ م.

فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الأرباب، حاجی نوری، میرزا حسین محدث نوری فرزند محمدتقی مازندرانی طبرسی (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق)، چاپ سنگی، ۱۳۰۱ ق.

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (2)

۲۷

- فهرست ابن الندیم، دارالمعرفة، بیروت؛ فهرست یا فوز العلوم، ابوالفرج محمد فرزند اسحاق، ابن ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ق) برگردان رضا تجدد، به کوشش مهین جهان بگلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶خ.
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، جلد پنجم، به کوشش عبدالحسین حائری، تهران، ۱۳۴۵خ، ۶۱۲ برگه.
- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد چهارم، مشهد ۱۳۲۵، ۵۴۴ص.
- فهرست مصنفات ابن سینا، مهدوی، برگه ۱۷۷ - ۱۷۸؛ و ذریعه، ج ۱۵، ۱۹۵.
- الفهرست، فهرست أسماء علماء الشيعة و مصنفيهم، منتجب الدين قمی رازی، علی فرزند عبيدالله فرزند حسن فرزند بابويه (۵۰۴ - ۵۸۵ق)، تحقیق عبدالعزيز طباطبایی، مجمع الذخائر الاسلامية، قم، ۱۴۰۴ق؛ دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م.
- قانون نامه آبگار، کهن ترین قانون کیفر ایرانی، علینقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، سال دهم، شماره پنجم، شماره ردیف ۴۴، آذرماه ۱۳۵۱، شوال ۱۳۹۲، نوامبر ۱۹۷۲، برگه های ۴۴۰ - ۴۴۶.
- قرآن، پیامبر اسلام حضرت محمد (ص).
- قضا و قدر در ادبیات فارسی، علینقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۴۱ - ۴۲، س ۱۰، مرداد ۱۳۵۱خ، شمارگان برگه ها با اعداد رومی I - XIV، پس از برگه ۱۶۸.
- کافی، اصول، فروع، روضه کافی، ابوجعفر محمد فرزند یعقوب فرزند اسحاق رازی، ثقة الاسلام کلینی (۲۵۸ - ۳۲۹ق / ۸۷۲ - ۹۴۱م)، پژوهش علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ - ۱۳۷۸ق.
- الکافی: اصول کافی شامل روایات اعتقادی؛ فروع کافی حاوی روایات فقهی؛ روضه کافی شامل احادیث متفرقه، ابوجعفر محمد فرزند یعقوب فرزند اسحاق ثقة الاسلام کلینی رازی (د: ۳۲۹ق)، پژوهش علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ق.
- کتاب الطیر، ابن سکیت نحوی. نک: فن یکم از مقالات سوم فهرست ابن ندیم.
- کتاب القرائات أو التنزیل و التحریف، احمد فرزند محمد فرزند سیار سیاری (د: ۲۶۸ق) از یاران امامان دهم و یازدهم، نسخه خطی نزد محمد سماوی نجفی.

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (2)

۲۸

کلیله و دمنه ابن مقفع شهید ۱۴۸ ق / ۷۵۹ م از پهلوی به عربی گردانید.

کنز الفوائد، ابوالفتح محمد فرزند علی فرزند عثمان کراچی طرابلسی صوری (د: ۴۴۹ق)، انتشارات مصطفوی، قم ۱۴۱۰ ق؛ دیگر: تصحیح عبدالله نعمه، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.

لسان الطیر، ترجمه منطق الطیر عطار به ترکی میرعلیشیر نَوایی (د: ۹۰۶ ق / ۱۵۰۰ م) نک: ذریعه ۱۸: ۳۹۶ و ۱۹: ۲۷۵.

لسان الطیر، رساله فارسی ابن سینا، نک: ذریعه، ج ۱۸، ۳۰۶، نسخه خطی در کتابخانه تقوی، تهران و آستان قدس، ج ۴، ۱۳۲.

لغت موران، شهاب‌الدین یحیی فرزند حبیب فرزند امیرک ابوالفتح سهروردی، شیخ اشراق، شیخ شهید (۵۴۹ - ۵۸۷ ق / ۱۱۵۴ - ۱۱۹۱ م)، تصحیح حسین مفید، انتشارات مولی، ۱۳۸۸.

ماللهند من مقولة، بیرونی، هند، ۱۹۵۸، برگه ۸۱؛ و

مجله یغما، سال سی ام، شماره ۶، شماره مسلسل ۳۴۸، شهریور ۲۵۳۶، رمضان - شوال ۱۳۹۷، برگه ۳۳۸ - ۳۴۴؛ مجله یغما، سال سی ام، شماره ۹، شماره ردیف ۳۵۱، آذر ۲۵۳۶، ذی قعدة - ذی حجه ۱۳۹۷، برگه ۵۲۷ - ۵۳۱، شرحی بر نمایشنامه سی مرغ و سیمرغ (۱)(۲)، علی نقی منزوی.

مجموعه ۱۴ رساله، محمدباقر سبزواری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ خ / ۱۹۶۱ م

مجموعه آثار افلاطون، رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، انتشارات ابن سینا، تهران، سه جلد، ۱۳۴۶ - ۱۳۵۳ خ.

مزدآپرستی در ایران قدیم، آرتور کریستین سن، برگردان ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۴۵ خ.

مِصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ وَ مِفْتَاحُ الْحَقِيقَةِ، امام جعفر صادق (ع)، در اخلاق و معاشرت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق؛

برگردان حسن مصطفوی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰ خ.

مصیبت‌نامه، فریدالدین ابو حامد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ م)، تصحیح محمدرضا شفیعی

کدکنی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۴ خ.

معراج‌نامه، پارمنیدس یونانی (۵۴۰ - ۴۵۰ پ.م).

شرحی بر نمایشنامه سیمرغ و سی مرغ (2)

۲۹

- مفتاح الخیر فی شرح رسالة الطیر، شرح رسالة الطیر شیخ الرئیس ابوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا (د: ۴۲۸ق / ۱۰۳۷م)، علی بن سلیمان بحرینی در سده ۷هـ / ۱۴م.
- مَنْ لایُخْصِرُهُ الْفَقِیْهُ، ابن بابویه، شیخ صدوق، ابوجعفر محمد فرزند علی فرزند حسین قمی (۳۰۶-۳۸۱)، نجف، ۱۳۷۱ق، ۴جلد وزیری.
- منطق الطیر خاقانی
- منطق الطیر عطار، ترجمه به عربی ویکتور الکنک لبنانی، فارغ التحصیل دانشگاه تهران.
- منطق الطیر عطار، ترجمه گلشهری (ز: ۷۱۷ق / ۱۳۱۷م) به ترکی، آنکارا، ۱۹۵۷.
- منطق الطیر، ابومنذر هشام کلبی (د: ۲۰۵ق / ۸۲۰م)، نک: فن یکم از مقالات سوم فهرست ابن ندیم، برگه ۱۶۲.
- منطق الطیر؛ یا مقامات طیور، فریدالدین ابوحامد محمد فرزند ابراهیم عطار نیشابوری (۵۴۰-۶۱۸م)، تصحیح جواد مشکور، کتابفروشی تهران، ۱۹۶۲م.
- نامه‌های عین‌القضات، تصحیح علی‌نقی منزوی و عقیف عسیران، بیروت ۱۹۶۸.
- نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد دوم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۷۲م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.
- نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد سوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.
- نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد یکم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۶۹م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.
- نخستین فیلسوفان یونان، شرف خراسانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۵۰خ / ۱۹۷۱م.
- نوروزیه (گاه‌شماری و نجوم)، معلی بن خنیس شاگرد امام صادق، نسخه خطی، رونویسی سالک‌الدین محمد حمویی (ز: ۱۰۳۲ق). نک: دیباچه‌ای بر میراث نوشتاری پزشکی ایران و جهان، مجمع النفایس و حجلة العرائس، برگه ۱۱۷، حاشیه نسخه خطی شماره ۱۹۷ کتابخانه مؤسسه دهخدا، رساله اعمال روز نوروز، عمادالدین شیرازی، تصحیح محمد ابراهیم ذاکر و غلامرضا جمشیدنژاد اول، مجلس شورا، ۱۳۹۶خ.

شرحی بر نمایشنامهٔ سیمرغ و سی‌مرغ (2)

۳۰

ودا، کتاب مقدس هندیان.

هدهد سلیمان، تائب تبریزی نک: ذریعه، ج ۹، ۱۶۳؛ ج ۲۵، ۲۰۱، شماره ۲۶۲.

هدهدنامه، فریدالدین عطار نیشابوری نک: فهرست میکروفیلم‌ها، ج ۱، ۴۰۹؛ ذریعه، ج ۹، ۷۲۹؛ و ج ۱۹، ۳۳۸؛ ج ۲۵،

۲۰۱، شماره ۲۶۱، نسخهٔ خطی آن در کتابخانهٔ عاطف افندی.

هنر مانوی، هانس یواخیم کلیم‌کایت (د: ۱۹۳۹م). برگردان ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق، انتشارات اسطوره، تهران،

۱۳۸۴خ

دکتر علی نقی
نیم‌سنزوی